

ترجمه علم نیست

علی خزاعی فر

این روزها، بخصوص بعد از بوجود آمدن رسمی حوزهٔ مضامعات ترجمه و تأسیس رشتهٔ تربیت مترجم در دانشگاه‌ها، صحبت کردن دربارهٔ ترجمه صنعت پولسازی شده ولی واقعیت این است که بحث دربارهٔ ترجمه قدمت زیادی دارد. لاقلاً شش گروه دربارهٔ ترجمه صحبت می‌کنند: نسان‌شناسان، فلاسفه، منتقدین ادبی و ادبا، مترجمان، زبان‌شناسان و ترجمه‌شناسان و بالاخره معلمان ترجمه. ما هم در مجله مترجم دربارهٔ ترجمه صحبت می‌کنیم. گاهی ترجمه آموزش می‌دهیم. گاهی ترجمه نقد می‌کنیم. سؤال این است که آنهایی که دربارهٔ ترجمه صحبت می‌کنند مبنای حرفشان چیست و ما که دربارهٔ ترجمه صحبت می‌کنیم، مبنای حرفمان چیست؟

آنچه مسلم است این است که ترجمه علم نیست. هم در عمل ترجمه، فردیت مترجم دخالت دارد. چون به طرق مختلف می‌توان متنی را درست ترجمه کرد، و هم صحبت کردن دربارهٔ ترجمه نمی‌تواند مبنایی عمومی و کاملاً ابژکتیو داشته باشد. البته هرکس که دربارهٔ ترجمه حرف می‌زند، معمولاً استدلال هم می‌کند. درواقع قوت هر حرف به قوت استدلال بستگی دارد. استدلالها هم مبنایی مختلفی دارند. مبنایی تجربی، عقلی، فرهنگی، تاریخی، حقوقی و اخلاقی. در اینجا به اختصار به چند نمونه از این مبنایی اشاره می‌کنم.

مبنا ممکن است ترجمه مترجمان خوب و سرشناس باشد. این مبنا اگرچه خوب است اما کاملاً بدون اشکال نیست. بزرگان ترجمه روش‌های متعددی بکار می‌برند. کسانی که بزرگ بنظر می‌رسند، شاید در نگاهی دیگر یا در زمانی دیگر آنقدر هم بزرگ نباشند. شاید هم همان بزرگان اگر در شرایط دیگری ترجمه کنند، جور دیگری بنویسند. مبنا ممکن است اخلاق باشد و معمولاً اخلاق به معنی تعهد به لفظ و شیوه بیان نویسنده تعبیر می‌شود. تعهد به نویسنده خوب است به شرط اینکه با دیگر تعهدات مترجم تضاد پیدا نکند. ثالثاً، از کجا معلوم تعهد به لفظ و

شیوه بیان نویسنده خدمت به او بحساب بیاید. شاید مترجم تشخیص بدهد که با کمی آزادی خدمت بیشتری به نویسنده می‌توان کرد. مینا ممکن است خواننده باشد. البته خوب است که مترجم خواننده را هم به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در انتخاب شیوه کار خود لحاظ کند. اما خواننده‌مداری هم بدون آفت نیست. ممکن است مینا قصد ناشر باشد. مینا ممکن است نظریه‌ای باشد که در جایی دیگر مقبولیت یافته است. این هم مصیبتی است. هیچ نظریه‌ی ترجمه نمی‌تواند بی‌ارتباط با وضعیت زبان مادری و جایگاه ادبیات ملی باشد. البته هرکس که درباره‌ی ترجمه حرف می‌زند یا نظر یا نظریه می‌دهد. بالاخره به یکی یا همه این مبانی استناد می‌کند. اما فرق میان نظریه‌ها در اولیاتی است که برای این عوامل قایلند. ما هم در مجله مترجم برای حرفهایمان مبثایی داریم و آن زبان فارسی است. اعتقاد داریم اگر ترجمه بر این مبنا صورت بگیرد، عوامل دیگر هم بناچار لحاظ می‌شود. به نظر ما ترجمه یعنی فارسی‌گردانی در معنی واقعی کلمه. این نظریه مثل هر نظریه‌ی دیگر اصطلاحات خاصی دارد که در اینجا به اختصار به چندتای آنها اشاره می‌کنم.

اولین اصطلاح، تعبیر «منظر» یا «پرسپکتیو» است. ترجمه از منظر زبان فارسی انجام می‌شود. نه از منظر متن اصلی. بسیار پیش می‌آید که جمله‌ای را در ترجمه می‌خوانیم ولی معنی جمله را در خواندن اول نمی‌فهمیم. مجبوریم دوبار یا چندبار بخوانیم تا جمله را بفهمیم. اصل جمله ایرادی ندارد چون در زبان مربوطه از منظر همان زبان نوشته شده. اشکال آنجاست که مترجم پرسپکتیو جمله در دو زبان را یکسان فرض کرده. بجز در موارد استثنا، هیچ نویسنده‌ای مایل نیست خواننده در خواندن و درک جمله بی‌جهت به‌زحمت بیفتند. این کار هم در تألیف هم در ترجمه نقض غرض است. متأسفانه ترجمه‌ها پر است از جملاتی که از منظر متن اصلی نوشته شده‌اند.

از دیگر اصطلاحها، قابلیت‌ها و محدودیت‌هاست. ترجمه باید براساس قابلیت‌ها و محدودیت‌های زبان فارسی نوشته شود. قابلیت‌ها امکان خلاقیت و امکان هنجارشکنی را ایجاد می‌کنند و محدودیت‌ها اجتناب‌ناپذیرند چون همین محدودیت‌هاست که میان زبانها تمایز ایجاد می‌کند. همچنین در این نظریه قایل به دو نوع بسط زبانی هستیم. نوع اول بسطی است که فارسی پذیرای آن است. بسطی که در نتیجه خلاقیت‌های زبانی و هنجارشکنی‌های قابل قبول بوجود

می‌آید. یک نوع بسط هم هست که از طریق ترجمه صورت می‌گیرد. بسیاری از بسط‌هایی که از طریق ترجمه صورت می‌گیرد، قابل قبولند اما متأسفانه همه موارد بسط چنین نیست. و بالاخره در این نظریه، فارسی‌گردانی کار دشواری تعریف می‌شود. کاری که به هیچ وجه از تألیف آسان‌تر نیست و مترجم فردی است که هم می‌تواند قالب‌ها را بشکند هم قالب‌های جدید بریزد. متأسفانه ما ترجمه را کاری سهل پنداشته‌ایم و به هر کس به صرف علاقه جواز ترجمه می‌دهیم. این بود خلاصه‌ای از مبانی فکری ما در مجله مترجم. و اما چرا فارسی را مبنای نظر و نظریه خود قرار داده‌ایم داستان دیگری دارد که باید به تفصیل درباره آن صحبت کنیم. ۵

گزارش تصویری

از مراسم هفدهمین سال انتشار مترجم

سینا حقیقی

